

مردم سالاری

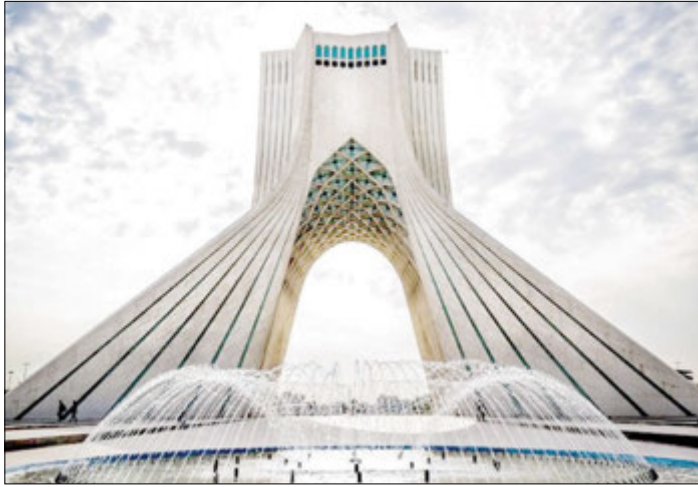
چند روزی بود که خبر حادثه ارشا اقدسی در رسانه‌ها مطرح بود و در نهایت این هنرمند بدلکار در بیمارستانی در بیروت درگذشت. به گزارش ایسنا، ارشا اقدسی که سر صحنه یک فیلم خارجی در لبنان دچار سانحه‌ای جدی شده بود ، غروب چهارشنبه، ۱۳ مردادماه در بیمارستانی در بیروت درگذشت.

ارشا اقدسی متولد سال ۱۳۶۱، از بدلکاران و شاگردان زنده یاد پیمان ابدی بود که در سالهای گذشته در این عرصه مطرح شده بود. اما شاید بازی روزگار بود که ارشا اقدسی با دیدن آگهی دوره آموزشی بدلکاری با پیمان ابدی، بورسیه تحصیل در رشته تربیت بدنی در ایتالیا را کنار گذاشت و در ایران ماندگار شد.

به گزارش ایسنا، حدا ۱۶ سال از آن زمان می‌گذرد که جوان ورزشکار قصد رفتن به ایتالیا را داشت. ارشا اقدسی در ایران ماند تا یکی از موفق‌ترین بدلکاران ایرانی شود اما دست سرنوشت باز هم او را به سمت پیمان ابدی سوق داد. او نیز سرنوشتی همچون استاد خود پیدا کرد تا یک مرگ غم‌انگیز دیگر رقم بخورد.

نمی‌شود بدلکار باشی و به مرگ نیندیشی، ارشا اقدسی نیز به مرگ فکر می‌کرد و شاید همین بسود که با وجود جوانی‌اش، به خانواده‌اش سپرده بود اگر اتفاقی برایش رخ داد، اعضای بدنش را اهدا کنند. وقتی از زمین فاصله می‌گیری، وقتی ترسناک‌ترین لحظات را می‌چی، می‌دانی که باید قدر زندگی را دانست، که باید لحظه‌ها را غنیمت شمرد و آدم‌ها را با همه خوبی‌ها و بدی‌هاشان دوست داشت و او چنین بود. مردن را یکی از شیرین‌ترین لحظه‌های زندگی هر انسانی می‌دانست که تنها یک بار رخ می‌دهد. از سرعت، تاریکی و ارتفاع می‌ترسید اما با همه این ترس‌ها ارتباط برقرار کرد ولی مرگ را ترسناک نمی‌دانست و باور داشت می‌تواند تجربه‌ای پرلت باشد. می‌دانست که مرگ دست خداست ولی خوش نداشت روی تخت بیمارستان بمرید. او که تجربه‌هایی هراسناک را پشت سر گذاشته بود، دوست می‌داشت که مرگش هم همچون زیستش باشد.

ارشا اقدسی که ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۶۱ در تهران زاده شد، می‌شاید می‌دانست زندگی فرصت چندانی به او نمی‌دهد و این چنین بود که شتاب داشت برای کارها و تاثیرگذاری‌های هرچه بیشتر، او که دل‌بسته ورزش بود و درجه مربی‌گری



سایت بیگ‌سون‌تراول فهرست زبیارترین نام برج آزادی تهران در رده ۴۸ و بالاتر از ۵۰ بنای جهان را منتشر کرد که در آن برج الخلیفه دومی و مرکز ابدرمانی والس در

وداع با بدلکار جوان

آگهی عجیبی که سرنوشت ارشا اقدسی را رقم زد



«رگ خواب» و «آرایش غلیظ» آثار حمید نعمت‌الله بخشی از کارنامه هنری ارشا اقدسی است.

در مقام کارگردان نیز اولین فیلمش را با نام «جمشید آریا» ساخت که ادای دینی به جمشیدهاشم‌پور بود.

او در تلویزیون و شبکه نمایش خانگی هم تجربه‌هایی گرانسنگ اندوخت. همکاری در مجموعه‌هایی مانند «شوq پرواز»، «شک‌ها و لبخندها»، «شهرزاد»، «آب پریا»، «بیمار استاندارد»، «شیدایی»، «نشانی»، «مقطوب آزاد»، «ساخت ایران» و … فرصت همکاری با کارگردان‌هایی مانند زنده‌یاد یادالله صمدی، حسن فتحی، مرضیه برومند، سعید اخاقتی، محمدمهدی عسگرپور، رامبد جوان، علیرضا امینی، محمدمحسین لطیفی و … را برایش فراهم کرد. ضمن این‌که اجرای برنامه «آب و آتش» را در شبکه نسیم بر عهده گرفت. همچنان‌که در تئاتر نیز در اجرای نمایش‌هایی مانند «پوستک»، «هنود سال ۱۳۶۱»، «سومین شبه هفته که به اشتباه به اون می‌گن دوشنبه»، «آکورایوم هوا» و … با کارگردان‌هایی همچون رضا ثروتی، پیام دهکردی، کاتسنا بهرام، حسن برزگر، یاسر خاسب و … همکاری کرد. لاپد خودش هم می‌دانست با آن شغلی که انتخاب کرده، زندگی

فرصت چندانی به او نمی‌دهد و این بود که از تمام لحظه‌ها بهره برد.

مرگ‌آگاهی کیفیت زندگی را ارتقا می‌دهد و انگیزه‌های زیستن را قوت می‌بخشد. می‌دانی که زندگی موهبتی همیشگی نیست؛ پس باید قدرش را دانست و نباید هدرش داد. ارشا اقدسی هم با همین نگاه بود که برای زیستن انگیزه‌های بسیار داشت و هر روز علاقه بیشتری به زندگی و آدم‌ها پیدا می‌کرد.

اما این دوست داشتن با وابستگی همراه نبوده، آن چنان‌که گفته بود: «خیلی وابستگی ندارم. متأسفانه آدم‌ها خیلی راحت می‌توانند بمریند. خیلی مهم است قدر لحظه‌ها را و با هم‌سام بودن را بدانیم و این انرژی را که رد و بدل می‌شود، فووسنتز کنیم.» شامگاه سیزدهمین روز مردادماه دوستان و همکاران ارشا اقدسی در گوشه گوشه ذهن‌شان به لحظه‌های بودن با او می‌اندیشیدند. درست یک هفته پیش بود که باخبر شدند برای دوست‌شان حادثه‌ای ناگوار در بیروت رخ داده است. ارشا اقدسی که در پروژه‌های بین‌المللی هم صاحب چند تجربه بود، مشغول همکاری با یک پروژه سینمایی در بیروت بود که با حادثه‌ای سهمگین روبه‌رو شد. شدت جراحات به حدی بود که پزشکان لبنانی همان اول کار آب پایی را روی دست خانواده این بدلکار ریختند ولی تیم ایرانی امید کمرنگی به زنده ماندن هموطن جوان خود داشتند. با همین یک درصد امید بود که خانواده دوستان او به انتظار معجزه نشستند ولی شاید این جوان که یک هفته را میان زندگی و مرگ در تقلا بود، دومی را خوش‌تر یافت.

شامگاه سیزدهم مردادماه آخرین تجربه شگفت‌انگیز ارشا اقدسی رقم خورد. او که به واسطه یک آگهی، با دنیای بدلکاری آشنا شد، آرزو داشت این حرفه با همراهی دوستانش در داخل و خارج از کشور جایگاه شایسته خود را بیابد. دلش به خدا گرم بود و همراهی دوستان.

پیکر او در چند روز آینده به ایران آورده می‌شود تا در کنار استانش پیمان ابدی به خاک سپرده شود. اما ارشا اقدسی که اعضای بدنش را اهدا کرده است، حتما در زندگی کسانی دیگر ادامه خواهد یافت و داستان زندگی جوانی که از ورزش به بدلکاری و سینما و تلویزیون رسید، در جان‌های دیگری تداوم خواهد داشت.

فهرست ۵۰ بنای بسیار زیبای جهان

برج آزادی تهران در رده ۴۸، تاج‌محل هند صدرنشین شد

سایت گردشگری بیگ‌سون‌تراول قرار گرفته که برج ۸۲۸ متری الخلیفه دو پله پایین‌تر از آن است.

در این فهرست بنای تاریخی تاج‌محل در اگرای هندوستان در رده اول زبیارترین بنای جهان لقب گرفته و کاخ ورسای در پاریس، کلیسای جامع فلورانس در ایتالیا، کلیسای ساگرا‌دا فامیلیا در بارسلونای اسپانیا، قلعه اوژاکا در کیوباشی ژاپن، ساختمان پارلمان مجارستان در بوداپست، کلیسای جامع سن باسیل در مسکو روسیه، کلیسای جامع سن پائول در لندن انگلستان، مسجد قبه الصخره در قدس شریف و نیایشگاه پارتون در آتن

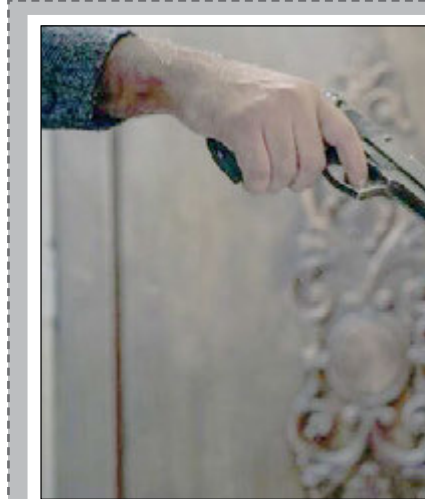
سئوئیس به چشم می‌خورد. گروه معماری هنرآنلاین: برج آزادی سال ۱۳۴۹ با طراحی و معماری حسین امانت، معمار نامدار آزادی ساخته شد و امروز مهم‌ترین نماد پایتخت ایران در دروازه ورودی غرب تهران است. در ساختمان این بنای ۴۵ متری بیش از ۸۰۰۰ قطعه سنگ مرمر سفیدرنگ از اصفهان به تهران منتقل و استفاده شده است.

معماری برج ترکیبی از معماری هخامنشی، ساسانی و اسلامی است و استفاده ۵۳ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. برج آزادی در فهرست ۵۰ بنای زیبای جهان در حالی در رده ۴۸ از نگاه

«زاپاتا» با موبایل تمام شد

دانش اقباشاوی فیلمبرداری جدیدترین فیلم خود را با دو موبایل به پایان رساند. این فیلمساز در گفت‌وگویی با ایسنا درباره فیلم تازه خود با نام «زاپاتا» که تقریباً بی سِر و صد انا را تولید کرده، توضیح داد: من و کریم نیکونفر که نویسنده فیلم «تاج محل» بود، پس از ساخت این فیلم در سال ۹۱ تا همین امسال، حداقل ۶ فیلمنامه را آماده کردیم که تصمیم داشتیم آن‌ها را بسازیم. این فیلمنامه‌ها در عین اینکه قصه‌گو بودند ساختاری نوآورانه و بازیگوش نیز داشتند و از میان آن‌ها برخی حتی پروانه ساخت هم گرفتند و اخبار شان رسانه‌ای شد مانند فیلمنامه‌های «در آبادان برف نمی‌بارد»، «پنجاه و هفت» و «مرمی‌گردیم» اما به دلیل تأمین نشدن سرمایه مورد نیاز برای تولید، شرایط ساخت آن فراهم نشد.

او افزود: برای ساخت یک پروژه جدید، جذابیت، باور پذیری و تاثیرگذاری فیلم و البته اینکه در قالب مهجور هنر و تجربه نیز تعریف نشود برای ما خیلی مهم بود



درد شدیدی رنج می‌برد و همین درد ماجراهایی را به وجود می‌آورد. در آماده‌سازی این فیلم کریم نیکونفر، احسان شیبیانی، رضا مسعودی، میحیا صدر، امیر سماواتی، ایمان غیرتمند، مانی صدیقی، علیرضا ساوه درودی، الهام شکیب، زهرا تحقیقی، سیاوش رضائلو،

یک نوازنده موسیقی ایرانی:

سال‌هاست از راه کنسرت امرار معاش نمی‌کنیم!

اگر بخواهیم همین اجراهای آنلاین را در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که فردی مانند خود که در حین تمرین‌ها ساخته شد و دو قطعه‌ی دیگر رفته و تقریباً یک سال هیچ اجرایی نداشته. این وضعیت برای اغلب دوستان و آشنایانم به همین صورت بوده است. «از آنجایی که بسیاری از نوازندگان موسیقی ایرانی به تدریس می‌پردازند، این سوال در ذهن متبادر می‌شود که آیا برای این تعداد استاد متقاضی کافی وجود دارد که بتوانند از طریق تدریس گذران زندگی داشته باشند؟» کااوند گفت: شاید فضاهای زیادی مانند اینستاگرام، یوتیوب، یا شنیدن صدای ساز از رادیو و تلویزیون توانسته تا حدی خانواده‌ها را مجاب کند که حضور موسیقی در زندگی می‌تواند مفید باشد. همچنین زمانی که فرزندانمان را به هر حال متقاعد برای یادگیری موسیقی در زندگی خانواده‌های خارج از ایران چه جایگاه مهمی دارد، تصمیم می‌گیرند که آموزش موسیقی در خانواده‌شان جریان داشته باشد. البته گاهی اوقات علت اینکه خانواده‌ها، فرزندانمان را به هر حال تقاضا برای یادگیری این است که نیاز خود را نسبت به یادگیری موسیقی برآورده کنند؛ زیرا در دوران جوانی و جوانی که قصد یادگیری موسیقی را داشته‌اند معمولاً منع شده‌اند و در آن برهه، موسیقی کار خیلی باارزشی تلقی نمی‌شده است. به همین جهت خیلی از والدین یادگیری موسیقی را اظهار همانند یک عهده فروخورده به فرزندانمان دولتی حمایت صورت گیرد و تمام امکانات فنی مورد نیاز مهیا شود، فقط اکثر هنرمندان موفق شاید فرزندانمان چندان علاقه‌ای به موسیقی خواهند بود.

دیگران را داشته باشید و این مسأله‌ای بود که تمرین‌های ما وجود داشت. در نتیجه سه اثر در حین تمرین‌ها ساخته شد و دو قطعه‌ی دیگر را بیشتر ساخته بودم که در تمرین‌ها تنظیم مجددی روی آنها صورت گرفت. او درباره مدت زمانی که برای تمرین در اختیار داشتند، بیان کرد: زمان ما خیلی کم بود و هر روز که فرصتی بود تا تمرینی داشته باشیم آن را از دست نمی‌دادم. اوایل خرداد ماه قرار اجرا را گذاشیم و اوایل تیر به روی صحنه رفتیم. همچنین از این هنرمند سوال کردیم که بحران کرونا و کم شدن اجراها و کنسرت‌ها از لحاظ مالی تا چه حد بر کار او به عنوان یک فعال موسیقی ایرانی اثرگذار بوده است؟ پاسخ داد: درآمد از طریق کنسرت برای نوازنده حوزه موسیقی کلاسیک ایرانی، نواحی تا کلاسیک غربی سال‌هاست که تبدیل به رویا شده است. مسئله‌ای که اکنون وجود دارد این است که غالباً نوازنده‌ها منبع درآمد اصلی‌شان آموزش است و عده‌ای علاوه بر آن، به ضبط و مشارکت در ساخت آثار موسیقایی نیز می‌پردازند. البته برخی از موسیقیدان‌ها به ساخت ساز نیز می‌پردازند که معمولاً و قاعدتاً سازندگان ساز نوازندگان حرفه‌ای نیستند که بتوانند اجرای حرفه‌ای داشته باشند. ولی اینکه بخواهیم از راه این موسیقی و صرفاً اجرا، امرار معاش داشته باشیم، امری است که سال‌ها است برای ما میسر نبوده و به دوره کرونا محدود نمی‌شود. او توضیح داد: علت این امر این است که برنامه منظمی برای اجرای اکثر نوازندگان حوزه‌های مختلف موسیقی وجود ندارد؛ مثلاً



سسهیل کااوند – نوازنده تار – که چندی پیش در سری اجرای آنلاین «ماه و نوا» به روی صحنه رفته بود، درباره حس و حال تجربه حضور در کنسرت‌های مجازی چنین گفت: نمایش بگذاردن که از نظر حس و حال به آن چیزی که در حضور مخاطب اجرا می‌شود، نزدیک است. این هنرمند در توضیح این مسأله به اجرای اخیر خود اشاره کرد و گفت: در اجرای اخیر به همراه دو تن از دوستانم از جمله مسعود آزین نوازنده تار (که در یک اثر است این مسئله تا حدی متفاوت می‌شود؛ یعنی نمی‌توان انرژی خاصی از محیط و فضای سالن دریافت کرد، هنرمند تنها است و ارتباط حسی بین نوازنده برقرار نمی‌شود.

این هنرمند در ادامه صحبت‌هایش درباره دومین تجربه کنسرت‌های مجازی بدون تماشاگر به ایسنا توضیح داد: در اجرای دوم متوجه شدم که شاید بتوان این خلق می‌کنید گونه‌ای در ارتباط بین نوازنده‌ها پوشش داد. اگر

فرهنگی

خبر

راه‌اندازی جایزه ادبی به‌نام «اصغر عبداللهی»



نخستین دوره جایزه ادبی «اصغر عبداللهی» با معرفی هیئت امنای خود آغاز به کار کرد. به گزارش ایسنا، جایزه ادبی اصغر عبداللهی جایزه‌ای سالانه است که کتاب‌های رمان، مجموعه داستان و نادنستان را بررسی می‌کند و تمرکزش بر ماجراپردازی در ادبیات است. اولین دوره این جایزه در سال ۱۴۰۰ برگزار می‌شود و کتاب‌های ایرانی منتشرشده در سال ۱۳۹۹ را بررسی می‌کند. بنا بر اعلام، این جایزه خصوصی است و منابع مالی و معنوس‌اش را از

دوست‌داران ادبیات تأمین می‌کند و با یاری نویسندگان ایرانی برگزار خواهد شد. اختراعتمادی (همسر اصغر عبداللهی)، رسول صدرعاملی (فیلمساز)، علی خدایی (داستان‌نویس)، محمدطلوعی (داستان‌نویس) و آرش صادق بیگی (داستان‌نویس) به عنوان هیات امنای این جایزه معرفی شده‌اند. داوران هر بخش نیز به زودی معرفی خواهند شد. دبیرخانه جایزه از ناشران و نویسندگان ایرانی که کتاب چاپ نخست در سال ۱۳۹۹ دارند خواسته که کتاب‌های‌شان را برای داوری دبیرخانه ارسال کنند. فهرست آثار قابل بررسی و دریافتی به زودی در سایت جایزه اعلام خواهد شد. اصغر عبداللهی متولد سال ۱۳۳۴ از آبادان بود که ۹ دی‌ماه ۱۳۹۹ از دنیا رفت. این هنرمند نگارش فیلمنامه‌هایی چون «خواهران غریب»، «جهیزیه‌ای برای رباب»، «صف مال من نصف مال تو»، «هنیک دودی»، «پیشینه‌یاد پنجاه میلیون»، «فریبانه»، «مرسدس»، «آشپزباشی»، «چتری برای دو نفر»، «خداحافظی طولانی»، «خانه خلوت» و… را در کارنامه هنری‌اش دارد و برای «خانه خلوت» سیمرغ بلورین دریافت کرده است.

«قهرمان» و «جاده خاکی» در جشنواره ساریوو

بیست و هفتمین جشنواره فیلم «ساریوو» در کشور بوسنی و هرزگوین میزبان نمایش دو فیلم ایرانی خواهد بود. به گزارش ایسنا، «قهرمان» ساخته جدید اصغر فرهادی به همراه فیلم «جاده خاکی» اولین فیلم بلند به کارگردانی پناه بناهی در بخش نمایش در فضای باز بیست و هفتمین جشنواره فیلم ساریوو به نمایش گذاشته می‌شوند که از تاریخ ۱۳ تا ۲۰ آگوست (۲۲ تا ۲۹ مرداد) برگزار خواهد شد. فیلم «ظلم نوین» ساخته «مایکل فرانکو» و «پاریس تگزاس» از «ویم ویندر» نیز از جمله دیگر فیلمهایی هستند که در برنامه نمایش در فضای باز جشنواره ساریوو حضور دارند. «مایکل فرانکو» و «ویم وندرس» امسال جایزه قلب افتخاری ساریوو را دریافت می‌کنند. فیلم «قهرمان» نخستین نمایش جهانی خود را ماه گذشته و در بخش رقابنی اصلی جشنواره فیلم کن تجربه کرد و در نهایت موفق به کسب جایزه بزرگ هیات داوران، دومین جایزه مهم جشنواره پس از نخل طلا شد. فیلم «جاده خاکی» نیز نماینده سینمای ایران در بخش دو هفته کارگردانان جشنواره کن بود.

فصل اول مسابقه «دوره‌می» تمام می‌شود

آخرین رقابت فصل اول شرکت کنندگان «دوره‌می» یکشنبه (۱۷ مرداد ماه) پخش می‌شود. به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی شبکه نسیم، فصل اول مسابقه «دوره‌می» با اجرای مهراں مدیری ۱۷ مرداد ساعت ۲۳

از شبکه نسیم روی آنتن می‌رود تا برنده این دوره از مسابقه، مشخص شود. مسابقه «دوره‌می» با اجرا و کارگردانی مهراں مدیری با رویکردی آموزشی بر پایه بالا بردن اطلاعات عمومی با حضور علاقمندانی که خواستند این چالش را تجربه کنند و به سولات فرهنگی، هنری، ادبیات، تاریخ و … پاسخ بدهند، به کار خود در فصل اول پایان می‌دهند. بنابر این گزارش در این رقابت ۲۴تفر از شرکت کنندگان که توانستند به مرحله نیمه نهایی راه پیدا کنند، با حضور در مرحله دایره و ربات و طی چند برنامه به نیمه نهایی و فینال برسیدند. دوره‌می در فضایی متفاوت و در چالش اطلاعات عمومی طراحی و پخش شد و در این سه قسمت، افراد برگزیده و برنده نهایی خود را خواهد شناخت. سه قسمت پایانی این فصل جمعه تا یکشنبه (۱۵، ۱۶ و ۱۷ مرداد) ساعت ۲۳ از شبکه نسیم پخش خواهد شد.

گزارش

یوقا مستحق این همه فحش بودم؟

یوسف تیموری درباره واکنش‌ها به نقض خود در سریال «وروز رنگی» گفت: خیلی‌ها با نقض ارتباط گرفته بودند و خیلی‌ها هم می‌پرسیدند؛ چرا این تیپ را دارم اجرا می‌کنم. حتی علی اواسط کار گفت می‌خواهی

معمولی بازی کنی؟! گفتم نه حتی اگر این تیپ دوست داشتنی هم نباشد، نباید بگذاریم فالش بزیم و راکورد حفظ نشود. حتی با همان حال و هوا اشک هم ریخت؛ به گزارش ایسنا، یوسف تیموری در حضور برنامه «سریالیست» ادامه خطاب به پیمان عباسی نویسنده گفت: پیمان عباسی خدا بگویم چه کارت نکندا می‌خواهم یک انتقاد خیلی سریع از فضای مجازی کنم. بازیگر خانم و آقا اگر شما فالورت ریزش کرد اشکالی ندارد، شما فرهنگ مردم را می‌سازی. در برنامه‌ی پیمان عباسی به من گفت فرض می‌کنیم کیف پول و موبایل‌ت کم شده و از روی دفترچه تلفن تو، مجری با یک نفر تماس می‌گیرد و می‌پرسد: «می‌آیی پول را با هم تقسیم کنیم؟» که من به عباسی گفتم به هر کسی زنگ بزنی آنقدر شوخی کردم‌ام که باور نمی‌کند. وی افزود: به خاطر اینکه مجری برنامه را خیلی دوست داشتم خیلی جدی بازی کردم. پیمان عباسی هم لهجه کرمانی گرفت و به یکی از هم کلاس‌های قدیمی من زنگ زد. بعد از این ماجرا در صفحه مجازی من هر چندر فحش بود نوشتند. فقط یک بار من یک شوخی را واقعی بازی کردم؛ به آدمی که نوشته بود از شما سعید است حق می‌دهم اما به آدمی که فحش نوشته می‌گویم که از جوادیت تا نیاوران رفیق دارم، من واقعا مستحق این همه فحش بودم؟ اگر قرار است اینستاگرام قفل شود برای آن افراد بشود کسانی که ۱۱ نفر بازیکن پرسپولیس و استقلال فحش می‌دهند شما تیم را تشویق کن چرا فحش می‌دهی. تیموری تصریح کرد: تو را به خنده فرهنگسازي کنید، آقایان و خانم‌های بازیگر جدید فکر نکنید با فحش دادن فالورهایتان بالا می‌رود، بگذارید فالورها هیزش کنند، دو نفر بمانند که حرف شما را بفهمند کافی است. من خودم فالور همه قومیت‌های ایرانی هستم. او درباره حضور بازیگران ناشناخته مشه‌دی سریال «وروز رنگی» گفت: در این کار به چهره‌های جوان‌تر میدان داده شد و جواد خواجوی و بازیگران مشه‌دی خوش درخشیدند. این بازیگر یادآور شد: علی مشه‌دی باهوش‌ترین افراد را انتخاب کرده بود و کار من خیلی سخت بود. این سریال خیلی خوب و نوایند آن را با دیگر سریال‌ها مقایسه کرد. نسل جوان ما از گذشته فرار می‌کند و نمی‌خواهد چیزی درباره‌ش بداند. حتی بیننده سریال‌های تاریخی کم شده است و نسل جوان از کارهایی که تاریخ مشه‌دی باید بداند سریالی ساخته که خوب است و من خیلی دوستش دارم. نسل من هم دوشتر دارد. اما نسل جدید شاید کم به آن علاقه نداشته دهد. وی درباره بازی‌ها در سریال «وروز رنگی» بیان کرد: وقتی کار کم‌دی می‌سازیم مهم است که لحظه‌های خوبی در کار ایجاد شود، چیزی که رضا عطاران در کارهایمان دارد این است که می‌دان‌چ باز گراستی یا چه ضربانهای در کنار هم هماهنگ می‌شوند. علی این ویژگی را داشت و این فضاسازی را سر حسه انجام می‌داد. او بازیگران باهوشی انتخاب کرده بود که انگار صد سال است دارم با آنها کار می‌کنم، گوئی مهراں غفوریان، جواد رضویان یا مجید صالحی کنار هم باشند. سری جدید «سریالیست» به تهیه‌کنندگی محمد باریکانی و محبتی فرجی و با اجرای پدram کریمی کاری است؛ از گروه تاریخ، فرهنگ و هنر شبکه یک که پنجشنبه هر هفته ساعت ۲۲:۱۵ روی آنتن شبکه یک سیما می‌رود.